

Presenting a Model for Measurement of Intangible Assets

Bitá Mashayekhi*

Associate Professor of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran

Hanieh Beirami

Ph.D. in Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

With regards to the adaption and implementation of IFRS in Iran on one hand, and the importance of intangible assets in Iran's economy on the other hand, this article induces a model for measurement of intangible assets in Iran. In common with standard- setting bodies, such as the International Accounting Standards Board (IASB), this article is based on a social construction, and as a result, it is constructed from a process of consultation. However, unlike the standard setters' regulatory process, the analysis here, is structured using a grounded theory approach. This article has been saturated with conducting in-depth and unstructured interviews with 15 experts by using snowball method. The result shows that the central category in the intangible assets measurement model is "Decision Usefulness" and the casual conditions of this model are "Level of Aggregation", "Condition of Free Riding", "Capable of Being Measured", and "Target of Valuation". The action/ interaction strategy here is using mixed measurement approaches which is in line with the current policies of IFRS.

Key words: Intangible assets, Measurement, Grounded Theory, Decision Usefulness, Mixed Measurement Approaches.

* mashaykhi@ut.ac.ir

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال دهم، شماره سوم، پیاپی (۳۷)، پاییز ۱۳۹۷
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۲/۱۳
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ و ۱۳۹۷/۰۸/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷
صص: ۶۸-۴۵

ارائه الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود

بی‌تا مشایخی^{*}، هانیه بیرامی^{**}

*دانشیار حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mashaykhi@ut.ac.ir

**دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

h.beirami@live.com

چکیده

از یک‌سو، نظر به حرکت ایران به سوی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و از سوی دیگر، اهمیت یافتن بیش از پیش نقش دارایی‌های نامشهود در اقتصاد، این پژوهش به تدوین الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود استفاده‌شده در ایران می‌پردازد. ماهیت الگوی ارائه‌شده در این پژوهش، همانند تلاش‌های نهادهای استانداردگذار همچون، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مبتنی بر سازه اجتماعی و در نتیجه بر مبنای فرایند مشاوره و کنش‌های متقابل با متخصصان ساخته شده است؛ اما برخلاف فرایند قانون‌گذاری استانداردگذاران، تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته در این پژوهش مبتنی بر استفاده از روش نظریه داده‌بنیان و با استفاده از مصاحبه‌های ساختارنیافته و عمیق انجام شده است. این پژوهش با انجام ۱۵ مصاحبه به روش گلوله برفی به اشیاع رسید. نتایج پژوهش نشان داد پدیده محوری در الگوی اندازه‌گیری دارایی نامشهود در میان ارزیابان دارایی‌های نامشهود، «سودمندی در تصمیم» است که در شرایط علی سطح تجمیع، وضعیت سواری مجانی، قابلیت اندازه‌گیری و تعیین هدف از ارزیابی و راهبرد استفاده از مبنای اندازه‌گیری چندگانه تبیین‌پذیر است که با رویکرد کنونی استانداردهای حسابداری بین‌المللی همسوست.

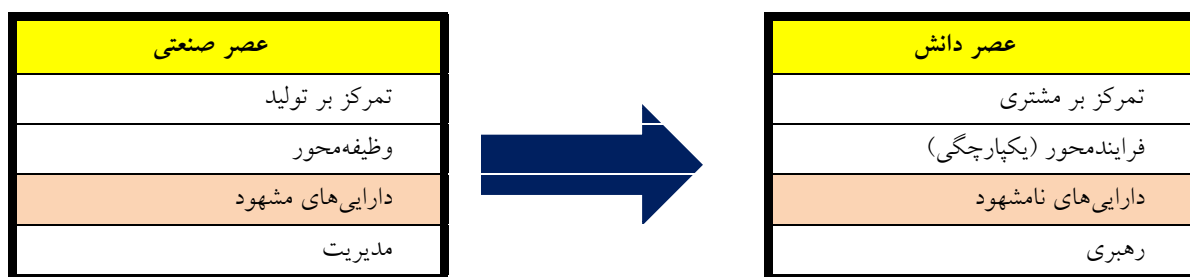
واژه‌های کلیدی: دارایی نامشهود، اندازه‌گیری، نظریه داده‌بنیان، سودمندی در تصمیم و رویکردهای اندازه‌گیری

چندگانه

مقدمه

و مدیریت عصر صنعتی جایگزین رهبری عصر دانش شد (شکل ۱). تمرکز بر دارایی‌های مشهود در عصر صنعتی جای خود را به دارایی‌های نامشهود در عصر دانش داد و در نتیجه، امروزه مسائل مرتبط با دارایی‌های نامشهود به موضوع حائز اهمیت و مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران مبدل شده است.

پیش از عصر دانش، شرکت‌ها عمدتاً در دنیای مشهود مشغول به فعالیت بودند و رویه‌های سنتی حسابداری نیز ابزارهای مناسبی برای بررسی وضعیت و عملکرد مالی آنها به حساب می‌آمدند؛ اما امروزه شرایط در دنیای نامشهود متفاوت است. سبک‌های مدیریت نوین در پاسخ به رقابت جهانی ایجاد شدند



منبع: سازمان همکاری توسعه و اقتصادی - OECD (گزارش سال ۲۰۱۱)

شکل ۱- گذر از عصر صنعتی به عصر دانش

نامشهود در دست اجرا دارد. در طی سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود در کشورهای پیشرفته، متناسب با بافت اقتصادی این قبیل کشورها ارائه شده است [۳۵، ۴۸، ۲۹، ۴۵، ۵۱]؛ اما همان‌طور که باند و کامینز [۱۷] و ژانگ [۵۲] در مطالعات خود اشاره می‌کنند این الگوها هیچ‌یک گویای شرایط تورمی نیست و کارایی خود را در شرایط تورمی از دست خواهند داد. بافت متفاوت اقتصاد ایران به لحاظ دولتی بودن - سهم بخش دولتی از اقتصاد در سال ۱۳۹۳ حدود ۸۰ درصد اعلام شده است - و نقش انکارناپذیر تورم در تمامی ابعاد اقتصادی سبب شده است تا در ایران جای پژوهش‌هایی در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود در حسابداری با تمرکز بر بافت متفاوت حاکم بر کشور به شدت خالی باشد. در خصوص اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، پژوهش‌های پیشین در کشور عمدتاً با رویکرد کمی و همچنین، با تمرکز

در طی سال‌های اخیر به‌طور مستمر بر اهمیت دارایی‌های نامشهود افزوده شده است؛ به‌طوری‌که میانگین نسبت دارایی‌های نامشهود به کل دارایی‌ها در شرکت‌های آمریکایی از ۵ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۷۵ درصد در سال ۲۰۰۲ رسیده است [۲۲]. امروزه بخش عمده‌ای از ارزش شرکت‌ها، منعکس‌کننده دارایی‌های نامشهود است؛ بنابراین، برای ارزیابی ارزش شرکت، نه تنها باید دارایی‌های مشهود را در نظر گرفت، باید به توانایی و قدرت ایجاد ارزش به‌وسیله دارایی‌های نامشهود نیز توجه کرد. در این راستا، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۱ اقدام به انتشار استاندارد حسابداری شماره ۳۸ (دارایی‌های نامشهود) کرد و پس از آن اصلاحات و بهبودهایی در جهت هرچه بهتر شدن شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری دارایی‌های نامشهود ارائه کرد. IASB همچنین، پروژه‌های ناتمامی در زمینه دارایی‌ها

^۱. IASB

اهمیت انکارناپذیر نقش و جایگاه دارایی‌های نامشهود در اقتصادهای دانش‌محور، انتظار می‌رود نتایج تجربی این مطالعه، گامی در جهت دستیابی به اهداف مذکور باشد. در ادامه ساختار پژوهش به این ترتیب است: ابتدا مبانی نظری و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مرتبط ارائه می‌شود. سپس روش پژوهش و پرسش‌های پژوهش بیان می‌شود. در پایان، پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، نتایج بحث و تفسیر خواهند شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الگوهای کیفی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود

رویکردهای متعددی درباره تعریف، اندازه‌گیری و افشای ارقام نامشهود وجود دارد و طبقات گوناگونی درباره دارایی‌های نامشهود شناسایی شده است؛ اما تمامی این منابع، در تئوری اقتصاد به‌عنوان دارایی‌های دانش^۱، در مدیریت به‌عنوان سرمایه فکری^۲ و از نظر حسابداری، به‌عنوان دارایی‌های نامشهود شناسایی می‌شوند.

به‌طور کلی، توافق کاملی در خصوص تعریف دارایی‌های نامشهود وجود ندارد؛ با این حال، شناسایی ارقام نامشهود به‌منزله یک کل یا به صورت کلی، غیرممکن نیست؛ اما باعث ایجاد برخی مسائل می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که قرار است یک جنبه خاص به‌طور دقیق بیان و مشخص شود (کمیت استانداردهای حسابداری، ۱۹۸۹؛ [۵]؛ کمیت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۱۹۹۸ ب؛ [۲۵]). با وجود این، درباره برخی از ویژگی‌های اصلی ارقام نامشهود، توافق نظر وجود دارد. ویژگی‌های ارقام نامشهود، فاقد ماهیت فیزیکی‌اند؛ منابعی غیرپولی

بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده‌اند [۳، ۸، ۱۱، ۱۴، ۵، ۱۰، ۱۲ و ۷]. از سوی دیگر، الگوهای کمی استفاده‌شده در این پژوهش‌ها شامل الگوهای ارائه‌شده در کشورهای پیشرفته بوده و شرایط موجود در کشور در آنها لحاظ نشده است؛ برای مثال، عارف‌منش و رحمانی [۷] در پژوهشی در نظرنگرفتن عامل تورم در الگوی خود را محدودیت در پژوهش عنوان کرده‌اند. در پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی استفاده شد. باعنایت به کمبود قوانین و مقررات و افشای اندک مربوط به دارایی نامشهود، گزارشگری مالی، به انعکاس واقعی و صحیح ارزش دارایی‌های نامشهود قادر نیست. مشکل موجود در چارچوب حسابداری مالی سنتی، شناسایی نادرست ارزش دارایی نامشهود و ایجاد شکاف اطلاعاتی میان افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است؛ از این رو، انتظار می‌رود نتایج تجربی این مطالعه نه‌تنها امکان درک روش صحیح برای ارزیابی اثربخش دارایی‌های نامشهود را فراهم کند، اطلاعاتی متفاوت از صورت‌های مالی کنونی ارائه کند و به مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در ارزیابی بهتر فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و در نتیجه تصمیم‌گیری اثربخش‌تر کمک کند. از سوی دیگر، امید است این پژوهش برای سازمان بورس اوراق بهادار تهران در الزام به افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود نیز مفید واقع شود. همچنین، با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نقشه جامع علمی کشور، استقرار اقتصاد دانش‌محور، دستیابی به توسعه علوم و فناوری‌های نوین و پیاده‌سازی فرایند مدیریت دانش و اطلاعات در نهادها و دستگاه‌های مختلف، از جمله اهداف کلان کشور در نظر گرفته شده است. با توجه به

¹. Knowledge assets

². Intellectual capital

که امروزه وجود دارند. اگرچه الگوهای مبتنی بر عملکرد، روشی برای ارزیابی دارایی‌های نامشهود فراهم می‌کنند؛ اما این الگوها قادر به ارائه ارزش‌های کمی برای دارایی‌های نامشهود نیستند.

گروه کونارد ۴۰ سنجۀ کلیدی را برای اندازه‌گیری عملکرد ارقام نامشهود در «ترازنامه نامرئی»^۸ شناسایی و دارایی نامشهود را به دو گروه تفکیک کردند: «فردی و سازمانی». براساس یافته‌های گروه کونارد، سرمایه فکری، یک دانش فنی خاص^۹ است که یک فرد، مالک آن است و از آن برای حل مسائل استفاده می‌کند. سرمایه فردی با توجه به افزایش تجربه، سطح تحصیلات و توانایی‌های فردی و اجتماعی افزایش می‌یابد. تمامی افراد استخدام‌شده سازمان، به سرمایه فردی سازمان کمک نمی‌کنند. کارکنانی که به ارتقای سرمایه فردی کمک می‌کنند، «افراد درآمدزا»^{۱۰} یا حرفه‌ای‌ها^{۱۱} در نظر گرفته می‌شوند. به‌طور معکوس، سرمایه سازمانی^{۱۲}، متشکل از فرایندهایی است که به سازمان امکان فعالیت می‌دهد. سرمایه سازمانی شامل کتابچه‌های راهنما، برنامه‌های رایانه‌ای و افراد و فرایندهای اجرایی است. سرمایه سازمانی، شامل مسیری است که سازمان برای حل مسائل طی می‌کند.

کاپلان و نورتن [۲۲] الگوی «کارت ارزیابی متوازن» را ایجاد کردند تا به واحدهای تجاری در انتقال از ایده به عمل، دسترسی به اهداف بلندمدت و دریافت بازخورد درباره راهبرد (استراتژی) کمک کنند. این الگو برگرفته از مأموریت و راهبرد شرکت است و باید منعکس‌کننده تمرکز هسته‌ای واحد

هستند که مزایای اقتصادی آتی محتمل به واحد تجاری دارند؛ احتمالاً عمر محدود و ارزش بازاری جدا از واحد تجاری دارند و شرکت در نتیجه مبادلات یا رویدادهای گذشته مالک آنها بوده است و یا آنها را کنترل می‌کند [۱۰]؛ کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۱۹۹۸ (ب).

در طی اواخر دهه ۱۹۸۰، دو گروه پژوهشی مستقل به دنبال توسعه الگوهایی برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود بودند. گروه کونارد^۱ در سوئد بر روی الگویی برای شرکت‌های دانش‌بنیان کار می‌کرد و موفق به ارائه الگویی شد که براساس آن مهم‌ترین منابع این شرکت‌ها، یعنی نیروی انسانی آنها به شیوه‌ای مفیدتر از ارائه صرف عکس‌های رنگی از آنها ارائه می‌شد [۴۹]. هم‌زمان با تلاش گروه کونارد، در امریکا، کاپلان و نورتن به توسعه الگوی کارت ارزیابی متوازن^۲ می‌پرداختند. در نهایت، هر دو الگو به نتیجه یکسانی دست یافتند؛ ارزش یک شرکت برابر با ارزش مالی به‌علاوه ارزش نامشهود آن است. البته تعریف دو گروه از ارزش نامشهود متفاوت بود. ارزش نامشهود گروه کونارد متشکل از «مشتري، ساختار و سرمایه انسانی» بود، در حالی که کاپلان و نورتن بر مبنای سه رویکرد «رشد و یادگیری»^۳، کسب‌وکار^۴ و مشتری^۵، دارایی‌های نامشهود را اندازه‌گیری می‌کردند. الگوهای توسعه‌یافته این دو شرکت، مبنایی را برای برخی الگوهای مبتنی بر عملکرد از قبیل الگوی رتبه‌بندی سرمایه فکری^۶ [۲۸] و الگوی شاخص سرمایه فکری^۷ [۴۵] فراهم کردند

1. Konard

2. Balanced score card model

3. Learning & growth

4. Business

5. Customer

6. Intellectual capital rating model

7. Intellectual capital index model

8. Invisible balance sheet

9. Specific know-how

10. Revenue people

11. pros

12. Organizational capital

پژوهش و نوآوری^۱ با ارقام دارایی‌های نامشهود گزارش شده در صورت‌های مالی آنها در طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۸ مقایسه شد. نتایج این پژوهش نشان داد در شرایط خاص، امکان جایگزین کردن مبالغ دارایی‌های نامشهود افشاشده براساس الزامات نهادهای قانونگذار حسابداری جمهوری چک با روش SSRI وجود دارد و به‌طور کلی، علی‌رغم برخی نقاط ضعف مربوط به الزامات حسابداری در خصوص اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، در مقایسه با روش SSRI نتایج و اطلاعات اثبات‌تری را در خصوص ارزیابی دارایی‌های نامشهود دانشگاه‌ها فراهم می‌سازد. بوهوسوا و وبودا [۱۸] در مطالعه خود به ارزیابی سهم و بهای تمام‌شده دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های مربوط به صنایع شیمیایی و دارویی در طی یک دوره ده‌ساله پرداختند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش به دو گروه واحد تجاری تقسیم‌بندی شده است: واحدهای تجاری که صورت‌های مالی خود را بر مبنای استانداردهای حسابداری بین‌المللی و واحدهای تجاری که صورت‌های مالی خود را مطابق الزامات تعیین‌شده نهادهای قانونی حسابداری ملی تهیه می‌کنند. در این مطالعه به ارزیابی اثر گزارشگری دارایی‌های نامشهود، ساختار و رشد آنها در طی دوره مورد بررسی و شناسایی دلایل احتمالی این روند افزایشی پرداخته شده است. برطبق نتایج این پژوهش، تمایل رو به افزایشی در خصوص اندازه‌گیری و افشای دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های بورسی وجود دارد که صورت‌های مالی خود را مطابق استانداردهای بین‌المللی حسابداری تهیه می‌کنند. سوانسون [۵۰] در مطالعه خود به تجزیه و تحلیل اکتشافی ارزش

تجاری باشد. کارت ارزیابی متوازن که کاپلان و نورتن توسعه داده‌اند متشکل از چهار بخش است: «(۱) شفاف‌سازی و تفسیر مأموریت و راهبرد؛ (۲) برقراری ارتباط بین اهداف راهبردی (استراتژیک)؛ (۳) اندازه‌گیری، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری؛ و (۴) همسوسازی اقدامات و ابتکارات راهبردی و بهبود بازخورد راهبردی و یادگیری».

در حالی که کارت ارزیابی متوازن از بابت توانایی برای برقراری رابطه بین معیارها با اهداف راهبردی تحسین شده است [۳۴، ۲۶ و ۲۴]؛ اما برخی انتقادات نیز به این الگو وارد شده است. باننیس و همکاران [۷] مطرح کردند کارت ارزیابی متوازن، الگویی انعطاف‌ناپذیر است و از معیارهای معرفی‌شده نمی‌توان برای اهداف مقایسه‌ای بین شرکت‌ها استفاده کرد. راس و همکاران [۲۹] با باننیس و همکاران [۷] درباره مشکل عدم امکان مقایسه بین شرکت‌ها موافق بوده‌اند و بیان می‌کنند برای آنکه سرمایه‌گذاران به‌طور اثربخش از کارت ارزیابی متوازن استفاده کنند، شرکت مجبور به افشای اطلاعات درون‌سازمانی بسیاری خواهد بود. اندریسن [۳] ادعا می‌کند کارت ارزیابی متوازن، ارزش‌های کیفی دارایی‌ها یا جریان‌های بین دارایی‌ها را اندازه‌گیری نمی‌کند. در مقابل، کارت ارزیابی متوازن بهبود در حوزه‌های خاص راهبردی را اندازه‌گیری می‌کند.

هاسپروا و همکاران [۳۶] در پژوهش خود به بررسی دارایی‌های نامشهود افشاشده دانشگاه‌های دولتی جمهوری چک پرداختند. هدف از این مطالعه ارائه یک روش‌شناسی جدید برای ارزیابی نتایج علمی دانشگاه‌های مذکور بود. در این پژوهش ارزش نتایج علمی ارزیابی‌شده براساس روش بخش علوم،

^۱SSRI

دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در درون شرکت‌ها که ثبت نشده‌اند، از طریق ایجاد معاملات سیستمی پرداخت. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل و ارزشگذاری دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در درون شرکت‌ها از الگوی معاملات ساختاری مبتنی بر الگوی ارزشگذاری مازاد تمیز استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد اندازه‌گیری و افشای دارایی‌های نامشهود ایجاد شده در درون شرکت بر ارزش شرکت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران اثرگذار است. فجس [۳۱] در رساله دکتری خود به بررسی نقش دارایی‌های نامشهود در فرایند خلق ارزش صنعت بانکداری پرداخت. تمرکز این پژوهش بر شناسایی سازوکارهای مدیریت دارایی‌های نامشهود در عملیات زنجیره خلق ارزش در صنعت بانکداری است. وی در مطالعه خود از روش کیفی و ۵۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته با مدیران ارشد بانکی استفاده کرده است. نتایج این مطالعه که در قالب یک چارچوب مفهومی جدید ارائه شده است نشان می‌دهد دارایی‌های نامشهود نقش غیرقابل اجتنابی در عملیات بانکی دارند و مدیران ارشد بانک‌ها از این عوامل آگاه هستند و همچنین، به نقش آنها در خلق ارزش اذعان دارد. چن و همکاران [۲۴] با استفاده از رویکرد نظریه بنیادی، به ارائه شیوه جدید تجدیدنظر در الگوهای بانکی با تأکید بر دارایی‌های نامشهود پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از چگونگی ایفای نقش دارایی‌های نامشهود و منابع مشهود در فرایند ایجاد ارزش در بانک‌ها است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این مطالعه همچنین بیانگر چگونگی پاسخ‌دادن الگوی تعدیل شده به تغییرات محیطی و نحوه درک و شناسایی دارایی‌های نامشهود بانک‌ها توسط افراد برون سازمانی، شامل تحلیلگران

است. گنزالز [۳۳] به بررسی ایجاد و توسعه سرمایه فکری با استفاده از رویکرد مدیریت چابک پروژه^۱ و همچنین، توسعه یک ظرفیت منعطف برای نوآوری و همکاری با سایرین در یک اقتصاد دانش‌بنیان می‌پردازد. در این مطالعه از روش پژوهش مبتنی بر شواهد برای بررسی ادبیات پژوهش در زمینه مدیریت چابک پروژه و رویکردهای بدیل برای ایجاد و مدیریت سرمایه فکری استفاده شده است. همچنین، از نظریه بنیادی برای استخراج و ارائه الگوی توسعه یافته استفاده شده است. گو و همکاران [۳۴] در مطالعه خود به بررسی چرایی و چگونگی روابط بانک‌ها و شرکت‌ها برای ایجاد و خلق ارزش پرداختند. در این مطالعه از روش کیفی و رویکرد نظریه بنیادی استفاده شده است. به‌طور کلی ۳۴ مصاحبه عمیق با بانک‌ها و ۱۵ مصاحبه عمیق با مدیران شرکت‌ها صورت گرفته است و الگوهای مبتنی بر نظریه بنیادی براساس داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها استخراج شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد ماهیت رابطه بانک-شرکت، بلندمدت است. روابط مذکور بر مبنای اعتماد شکل گرفته‌اند و ادامه‌دار هستند.

نیک‌کار و همکاران [۱۳] به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود در توضیح‌دهندگی تأثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد دارایی نامشهود مناسب، به شرکت برای دستیابی موفقیت‌آمیز به ریشه‌های خلق ارزش کمک می‌کند. به عبارت دیگر دارایی نامشهود، محرک اصلی رشد و ایجاد ارزش در بسیاری از بخش‌های اقتصادی است. افزون بر این،

^۱Agile project management (APM)

گزارشگری مالی شرکت‌هاست. حسنی و میثاقی [۴] به مطالعه کنش سرمایه فکری در بیان انعطاف‌پذیری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۵ ساله پرداختند. در این پژوهش برای سنجش سرمایه فکری از الگوی ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌های دارای سرمایه فکری بالاتر، انعطاف‌پذیری کمتری را تجربه کرده‌اند. همچنین، بین انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها با سرمایه فکری بالاتر و شرکت‌ها با سرمایه فکری پایین اختلاف معناداری وجود دارد.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به شواهد موجود مبنی بر پررنگ‌تر شدن نقش دارایی‌های نامشهود در ارزشگذاری شرکت‌ها (مروری بر متون و سوابق پژوهشی اخیر) و حرکت کشور به سوی اقتصاد دانش‌محور، نیاز به الگویی مفهومی برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود متناسب با بافت و شرایط اقتصادی خاص ایران به شدت احساس می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

- ۱- مؤلفه‌های اثرگذار بر اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود کدام‌اند؟
- ۲- روابط و منطق بین عوامل اثرگذار چگونه است؟
- ۳- پیامدهای الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود چیست؟
- ۴- چه الگویی این روابط را تبیین می‌کند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت از نوع کیفی است. هدف از این مطالعه شناخت و درک تجارب افراد و تفاسیر آنها در زمینه

دارایی نامشهود در توضیح‌دهندگی ارتباط بین سلامت مالی شرکت (متغیر عملکرد شرکت) و هزینه نمایندگی (سیاست توزیع سود) در ارزش بازار شرکت، تأثیر معناداری دارد. همچنین، نتایج نشان داد دارایی‌های نامشهود در توضیح‌دهندگی تأثیر قدرت پرداخت بدهی و نسبت بدهی در ارزش بازار شرکت تأثیر معناداری ندارد. نمازی و موسوی‌نژاد [۱۲] به بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی جزئی و رگرسیون سلسله‌مراتبی با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی نشان داد بین دارایی‌های نامشهود شرکت‌های مورد بررسی و عملکرد مالی آنها رابطه معناداری وجود دارد. در برخی از موارد این رابطه مثبت معنادار و در برخی دیگر منفی معنادار بود. شدت این ارتباط برای دارایی‌های نامشهود ثبت‌نشده قوی‌تر از دارایی‌های نامشهود ثبت‌شده است. بیشترین همبستگی مثبت معنادار بین نسبت کیو توبین و نسبت بازده دارایی‌ها و اضافه ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری و سود خالص به‌دست آمد. همچنین، در بین معیارهای عملکرد، معیار سود خالص از ارتباط قوی‌تری با دارایی‌های نامشهود برخوردار بود. پیری و همکاران [۲] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در دوره بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها نمی‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری این شرکت‌ها منجر شود. همچنین، نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم اندازه شرکت، حاشیه سود و صداقت مدیریت و تأثیر غیرمستقیم اهرم مالی بر کیفیت

اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود به‌منظور دستیابی به نظریه‌ای در این زمینه است. در این پژوهش کیفی برای ارائه الگوی فرایند اندازه‌گیری دارایی نامشهود از نظریه داده‌بنیان استفاده شده است. نظریه داده‌بنیان، یکی از راهبردهای کیفی پژوهش به حساب می‌آید که از طریق آن نظریه‌پردازی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. این راهبرد پژوهشی بر سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. هدف اصلی این نوع نظریه‌پردازی، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن مؤلفه‌های اساسی آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این مؤلفه‌ها درون بستر و فرایند آن پدیده است. به عبارت دیگر، هدف آن حرکت از جزء به کل بدون از دست دادن توجه به محور اصلی بررسی است [۴۷].

در نظریه داده‌بنیان، داده‌ها می‌توانند از منابع مختلفی مانند مصاحبه با افراد، مقالات منتشرشده در مجله‌های علمی، سمینارها، همایش‌ها و سخنرانی‌های علمی، گزارش‌های روزنامه‌ای و نیز کتب تألیف‌شده، تهیه شوند. در این پژوهش، برای شناسایی مؤلفه‌ها و ساخت الگوی اندازه‌گیری دارایی نامشهود، از ابزار مصاحبه عمیق و ساختار نیافته با کارشناسان رسمی دادگستری در رشته‌های حسابداری، حسابرسی و ارزیابی سهام، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات که تجربه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود را در

گزارش‌ها و سوابق حرفه‌ای و تخصصی خود داشتند و همچنین، استادان دانشگاه و مدیران ارشد شرکت‌هایی که تجربه و تعامل نزدیکی با ارزیابان دارایی‌های نامشهود داشتند، استفاده شده است. در مصاحبه‌ها سعی شد تا مصاحبه‌شوندگان به‌طور غیرمستقیم به بیان تجربیات شخصی و ادراکات ذهنی در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود سوق داده شوند. در این پژوهش تمامی مصاحبه‌ها به صورت چهره‌به‌چهره بود و پس از کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، تمامی مصاحبه‌ها با استفاده از دستگاه MP3 Player ضبط شدند و سپس متن مصاحبه‌ها به‌طور کامل تایپ و پیاده‌سازی و در قالب فایل‌های متنی و به‌صورت دستی تجزیه و تحلیل شد. همچنین، برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۳ استفاده شده است. روش نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری نظری (روش گلوله برفی) است. در نمونه‌گیری نظری، نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که بیشترین قدرت تبیین و استدلال را فراهم می‌کنند و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد. این پژوهش با مصاحبه با ۱۵ خبره (حدود ۴۵۰، ۱۰۰ لغت) به شرح نگاره ۱ و کدگذاری هم‌زمان مصاحبه‌ها به اشباع نظری رسید.

نگاره ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت	تعداد	تحصیلات				سابقه کار
			کارشناسی ارشد	دکتری	کمتر از ۱۵ سال	۱۵ تا ۳۰ سال	
۱	کارشناس رسمی دادگستری	۴	۴	-	-	۳	
۲	استادان دانشگاه*	۵	-	۵	۳	-	
۳	مدیران ارشد سازمانی	۶	-	۳	-	-	
جمع		۱۵	۷	۸	۳	۳	

* دو مورد از استادان دانشگاه اشاره شده در جدول فوق، از جمله مدیران ارشد سازمانی با سابقه کار بیش از ۳۰ سال نبودند.

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش

با توجه به ماهیت کیفی روش نظریه داده‌بنیان، از روش‌های مربوط به کدگذاری باز (برای کشف مؤلفه‌های توضیح‌دهنده فرایند اندازه‌گیری دارایی نامشهود)، کدگذاری محوری (تعیین مقوله‌های اصلی و روابط بین مؤلفه‌های کشف‌شده) و کدگذاری گزینشی (طراحی الگوی جامع اندازه‌گیری دارایی نامشهود) استفاده می‌شود.

کدگذاری باز

در این پژوهش پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، ابتدا متن هر مصاحبه مورد مطالعه و

بر مبنای تحلیل خط‌به‌خط و بند به بند، مفاهیم اولیه و نکات اساسی تعیین و کدگذاری باز انجام شد. پس از کدگذاری مصاحبه، پژوهشگر به مصاحبه بعدی و انجام کدگذاری آن اقدام می‌کرد. این روش تا زمان جمع‌آوری نتایج و رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یافت. پژوهشگر در این پژوهش با انجام ۱۵ مصاحبه عمیق و ساختارنیافته (حدود ۴۵۰، ۱۰۰ لغت) به اشباع نظری رسیده است. از این ۱۵ مصاحبه انجام شده، در مجموع ۸۴۳ مفهوم به شرح نگاره ۲ استخراج شد.

نگاره ۲- تعداد کدهای باز استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	تعداد مصاحبه	تعداد کدهای باز
۱	کارشناسان رسمی دادگستری	۴	۲۶۱
۲	استادان دانشگاه	۵	۳۱۰
۳	مدیران ارشد سازمانی	۶	۲۷۲
جمع		۱۵	۸۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

برای مثال برخی از مفاهیم استخراج شده از مصاحبه شماره ۲ عبارت‌اند از: هر شرکت (خاص هر شرکت)، نوع صنعت، نوع توسعه شرکت، سخت‌بودن کپی کردن محصولات توسط رقبا (مزیت رقابتی)، محصولات و ایده‌های جدید، حساس بودن جامعه و مشتریان به کیفیت، قابلیت رشد، اندازه شرکت، وجود پایگاه داده منسجم از قیمت‌ها و شاخص‌ها، نداشتن اقتصاد باز و شفاف، عدم اتکای کامل به نظر کارشناسان، حذف کلیشه، استفاده از مراکز ارزیابی معتبر و مشهور، تغییر جایگاه و تصویر حسابداری در اذهان.

پس از کدگذاری سطح اولیه و تشکیل مفاهیم، کدگذاری سطح دوم برای شکل‌گیری مقوله‌ها انجام

شد. هدف از مقوله‌بندی کردن، استفاده از بیشترین یا معنادارترین کدهای اولیه برای غربالگری و تقلیل انبوه داده‌ها بود. در این مرحله، پژوهشگر ضمن مراجعه به متن عبارتی که هر کد از آن استخراج شده و مقایسه کدها با هم، درصدد شناسایی کدهای مشابه است. وی با تعیین و مرتب‌کردن کدها یا مفاهیم اولیه، کدهای مشابه یا مشترک را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد؛ بنابراین، انبوهی از داده‌ها و مفاهیم اولیه به مقوله‌هایی مشخص و محدود کاهش می‌یابند. در نتیجه هر مقوله دربرگیرنده مفاهیمی مشابه، متداخل و هم‌معناست؛ برای مثال، با مقایسه مفاهیم مختلف، پژوهشگر دریافته است مفاهیم «مدیریت برند»، «مورد ورشکستگی»، «برای رفع

«هدف از ارزیابی» را استخراج کرده است. این مفهوم در سطح بالاتری از مفاهیم فوق بوده، انتزاعی‌تر است و هر یک از مفاهیم قبلی را پوشش می‌دهد. در مجموع ۸۴۳ مفهوم به ۸۲ مقوله تقبیل یافتند. نمونه‌ای از مقوله‌ها به‌همراه مفاهیم تشکیل‌دهنده آنها به شرح نگاره ۳ است:

«اختلاف»، «Case تأمین سرمایه بورسی یا غیربورسی»، «اهداف راهبردی»، «قصد فروش»، «Due Diligence- بررسی موشکافانه»، «جهت بازاریابی» اشاره به یک چیز دارند مبنی بر آنکه «هدف از ارزیابی» یکی از مقوله‌های اثرگذار در فرایند اندازه‌گیری دارایی نامشهود است. با توجه به این مطلب، پژوهشگر از هر یک از مفاهیم فوق، مقوله

نگاره ۳- نمونه استخراج مقوله و مفاهیم از مصاحبه‌ها

ردیف	مقوله	مفاهیم	مصاحبه‌ها	فراوانی
۱		اهمیت یافتن دارایی نامشهود در گذر زمان		
۲		فضا		
۳	بستر زمانی	حساس نبودن جامعه کنونی به کیفیت	MI2-MI06-MI07-MI08-MI09-MI10-MI12-MI14-MI15	۹
۴		طول زمانی		
۵		تفاوت زمانی		
۶		ثبات اقتصادی		
۷		تورم		
۸		نداشتن اقتصاد باز		
۹	عوامل اقتصادی	ریسک اقتصادی	MI01-MI02-MI03-MI04-MI05-MI06-MI07-MI08-MI10-MI11-MI12-MI13-MI14-MI15	۱۴
۱۰		نقش پررنگ دولت در اقتصاد		
۱۱		بسته‌بودن اقتصاد		
۱۲		مختصات اقتصادی کشور		

منبع: یافته‌های پژوهش

کدگذاری محوری

استراوس و کوربین [۴۷]، کدگذاری محوری را «مجموعه‌ای از رویه‌ها که در آن داده‌ها به شیوه‌ای نو و پس از کدگذاری باز، از طریق برقراری ارتباط بین مقوله‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند» تعریف می‌کنند؛ بنابراین، در کدگذاری محوری، داده‌هایی که پیش از آن در مرحله کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، با شیوه‌های جدید به یکدیگر می‌پیوندند تا پیوندهای میان یک مقوله و مقولات فرعی آن برقرار شود [۴۷]. استراوس و

کوربین استفاده از نمودارها را برای توضیح و تشریح الگوهای موجود در فرایند کدگذاری محوری پیشنهاد کردند. این کار با به‌کارگیری یک «الگوی انگاره‌ای (پارادایمی)» شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای عمل/تعامل و پیامدها انجام می‌شود. برای نمونه شکل ۲ کدگذاری محوری مربوط به مقوله اصلی «خاص شرکت» را نشان می‌دهد. فلش‌ها در شکل ۲ حاکی از تنظیم مجدد کدهای باز به مقوله‌های اصلی و فرعی و تخصیص ویژگی‌ها و ابعاد به هر مقوله فرعی و/یا اصلی است.

کدگذاری گزینشی

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، داده‌ها در شش دسته مجزا ارتباط‌دهی می‌شوند. نتیجه ارتباط مفاهیم و مقولات در این شش دسته، الگوی انگاره‌ای (پارادایمی) پژوهش را تشکیل می‌دهد (شکل ۳). در این الگو، «سودمندی در تصمیم» به‌عنوان مقوله هسته‌ای شناسایی شده است؛ بدین معنا که بیشترین مفهوم مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان بیانگر آن بود که برای اندازه‌گیری دارایی نامشهود، نیاز به استفاده از مبانی، روش‌ها و رویکردهایی است که در تصمیم‌گیری ذی‌نفعان گزارش، مفید باشند. این مقوله هسته‌ای، شرایط علی خاص خود را دارد که به وقوع یا توسعه آن منجر می‌شود که در ادامه بررسی خواهد شد. در این میان شرایط مداخله‌گر و زمینه در شکل‌گیری راهبردهای عمل/تعامل در مورد مقوله هسته‌ای تأثیر دارند. شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر به‌راہبرد «استفاده از مبانی اندازه‌گیری چندگانه» منجر می‌شوند. شرایط مداخله‌گر شناسایی شده در این پژوهش شامل عوامل قانونی/حقوقی، عوامل اقتصادی، عوامل رفتاری و عوامل خاص شرکت است. زمینه و بستر دریافت شده در این پژوهش نیز شامل بسترهای داده‌ای، فرهنگی، دانش، زمانی و مکانی است. در ادامه، عوامل تشکیل‌دهنده الگوی پارادایمی فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود بحث و بررسی خواهند شد.

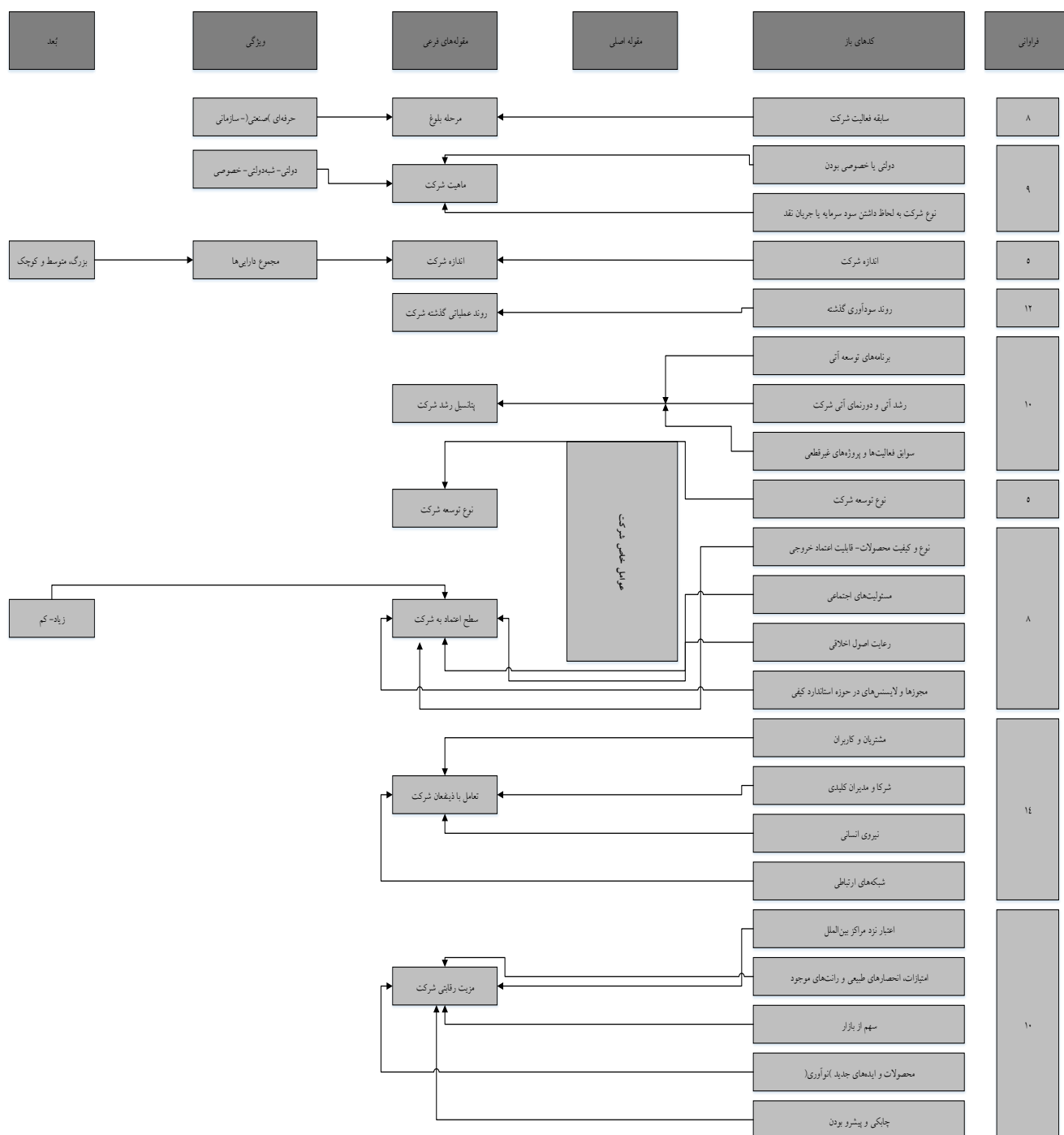
شرایط علی

در این بخش به ارائه یافته‌هایی می‌پردازیم که به آن دسته از رویدادها و وقایعی اشاره دارند که بر مقوله هسته‌ای اثر گذاشته یا موجب گسترش آن

می‌شوند. آنچه در این بخش مطرح می‌شود، پاسخ به این پرسش است که کدام رویداد یا واقعه در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود به‌کار گرفته شده ارزیابی‌کنندگان دارایی‌های نامشهود، به ایجاد و خلق مقوله هسته‌ای، یعنی سودمندی در تصمیم منجر می‌شود.

سطح تجمیع

یکی از مهم‌ترین دلایلی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند و به‌عنوان یکی از علل مهم در رسیدن به سودمندی در تصمیم مورد توجه بوده است، تعیین سطح تجمیع (تجمیع در مقابل تفکیک) دارایی‌های نامشهود است. یک پرتفوی از دارایی‌های نامشهود ممکن است به بیشترین یا کمترین سطح تجمیع شود و این امر بستگی به آن دارد که این سطح از تجمیع یا تفکیک تا چه میزان بر سودمندی در تصمیم اثرگذار هستند. براساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، تعیین سطح تجمیع دارایی‌های نامشهود، خود به نوع کسب‌وکار، فعالیت و هدف از ارزیابی دارایی نامشهود بستگی دارد؛ برای نمونه زمانی که هدف از ارزیابی دارایی‌های نامشهود یک شرکت، استفاده از آن به‌عنوان بخشی از پروژه ارزیابی کل شرکت برای واگذاری شرکت، تأمین مالی شرکت و ... است و در صورتی که کارشناس قادر به استفاده از بالاترین سطح تفکیک دارایی‌های نامشهود نباشد، برای ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان، اقدام به دسته‌ای کردن دارایی‌های نامشهود و ارزیابی مجموعه آنها، به‌جای ارزیابی تک‌تک دارایی‌های نامشهود می‌کند؛ برای مثال مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند:



شکل ۲- نمونه کدگذاری محوری برای مقوله اصلی «عوامل خاص شرکت»

منبع: یافته‌های پژوهش

لحاظ هم زحمتشون رو کم کردند، یعنی آگه می‌خوان بیان یک شرکت رو ارزیابی کنند، می‌گویند ما برند رو ارزیابی می‌کنیم.»-MI02
 «بنابراین من اعتقاد دارم برند، مثل یک اسفنج که آب رو به خودش می‌گیره، خیلی از اینها رو ممکنه نشون بده.»-MI05

«پس می‌شه نتیجه‌گیری کرد که منهای بعضی از انواع خاص دارایی‌های نامشهود که مثال زدم، اینها خریداری می‌شوند و مستنداتی پشتشون، بقیه دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها امروزه توی اقتصادهای مدرن، منعکس شده در برندشون. همه این قابلیت‌های سازمانی، امروزه در برند داره ظهور می‌کنه. به همین

نمود مسئله سواری مجانی

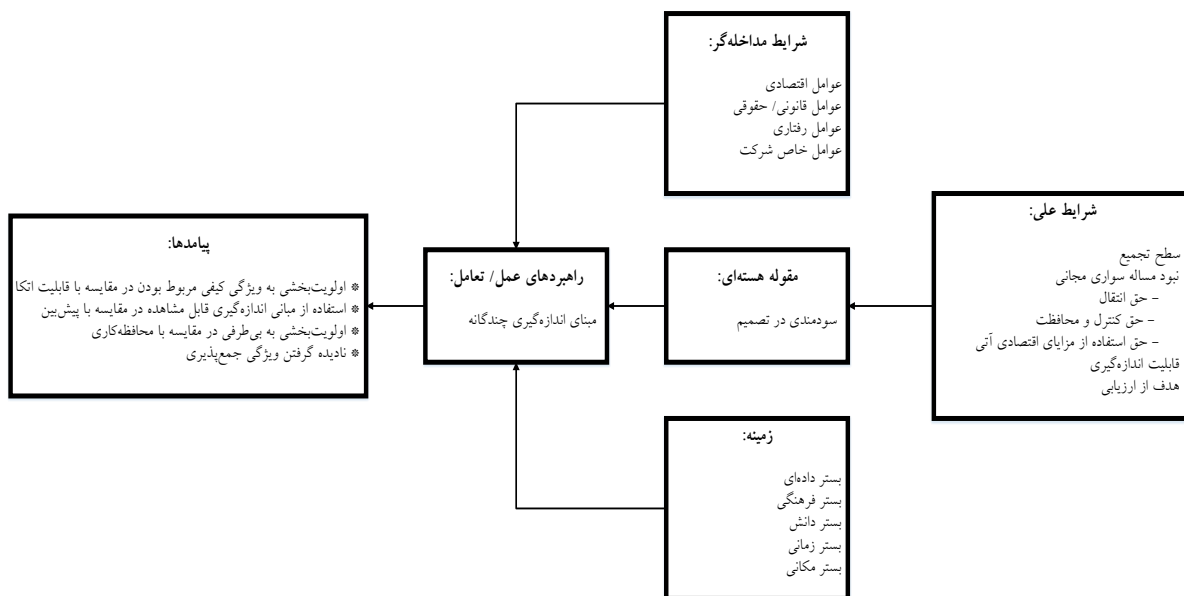
یکی دیگر از مهم‌ترین مفاهیم در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود و دستیابی به سودمندی در تصمیم که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید کردند، رفع مسئله سواری مجانی در خصوص دارایی‌های نامشهود در کشور است. رفع این مشکل از طریق برقراری سه حق (۱) حق انتقال، (۲) حق کنترل منابع اقتصادی و (۳) حق استفاده از مزایای اقتصادی آتی دارایی نامشهود برقرار می‌شود.

«آهان یک محدودیتی که تو ایران وجود داره و تو دنیا کمتره، IP اونجا مثل ناموسه، متوجهی؟ یعنی شما وقتی یک ایده می‌دی، حتی فقط در غالب یک مقاله منتشر می‌کنی، نمی‌ری حتی ثبتش کنی، اگر کسی استفاده کنه، بیچاره است. یعنی اگر می‌فروختی، کمتر گیت می‌ومد که کسی ایده‌ات رو بدزد. ببین تو ایران ما محافظت IP نداریم، Intellectual property یا دارایی‌های نامشهود از نوع IP قانون داریم‌ها، محافظت نداریم؛ یعنی تو source نرم‌افزارت رو چهار خطش رو من عوض می‌کنم، حالا برو اثبات

کن این همونه. Screen‌های آبی‌ات رو می‌کنم قرمز حالا اثبات کن که همونه، دو سال باید تو دادگاه بری، آیا بگیره آیا نگیره، چقدر هزینه کنی، بعد چقدر قانون اصلا می‌تونه بهت بده.» - MIO8

قابلیت اندازه‌گیری

مصاحبه‌شوندگان آگاه بودند که ممکن است یک دارایی وجود داشته باشد؛ اما هم‌زمان ممکن است برای اهداف تصمیم‌گیری، قابلیت اندازه‌گیری نداشته باشد؛ برای مثال هنگامی که دارایی «انسان» است، از آنجایی که نمی‌توان مالک انسان بود و همواره کنترل بر یک شیء و نه انسان مطرح بوده است؛ بنابراین، امکان اندازه‌گیری کمی این نوع از دارایی نامشهود میسر نیست و همواره اطلاعات ارزشمند در خصوص این موارد به‌عنوان اطلاعات کیفی برجسته می‌شوند و یا اثر غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌ها (مانند دادن تخفیف برای حفظ نیروی انسانی یا نزدن چانه در جاهایی که باید چانه‌زنی می‌شد) را دارند.



نگاره ۶- آلفای جنسن حاصل از مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای و فاما فرنچ

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف از ارزیابی

در این پژوهش یکی دیگر از عوامل علی تعیین‌کننده در فرایند اندازه‌گیری دارایی نامشهود و ارائه اطلاعات مفید در تصمیم‌گیری، مشخص شدن هدف از ارزیابی تعیین شده است. اهداف شناسایی شده در مصاحبه‌ها که در آنها، اندازه‌گیری دارایی نامشهود اهمیت و ضرورت می‌یابد عبارت‌اند از: برای رفع اختلافات، افزایش سرمایه (بورسی)، تعیین وضعیت در زمان ورشکستگی، فروش / خرید، تأمین مالی (غیربورسی)، اهداف راهبردی، بازده تصمیم‌گیری، بررسی موشکافانه، بازاریابی و مدیریت برند.

شرایط مداخله‌گر

منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای عمل / تعامل است که به یک پدیده ربط دارد. آنها تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند [۱]. نمی‌توان گفت هر یک از این عوامل به‌تنهایی سبب بروز مقوله هسته‌ای و راهبردهای اداره و کنترل آن می‌شود؛ معمولاً مجموعه‌ای از آنها مؤثر واقع می‌شوند. در این پژوهش، براساس تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان، شرایط مداخله‌گر ذیل در فرایند اندازه‌گیری دارایی نامشهود استخراج شد:

عوامل اقتصادی

یکی از مواردی که در اتخاذ راهبرد مبنای اندازه‌گیری چندگانه تأثیر دارد، مختصات اقتصادی کشور است.

«عدم شفافیت در اقتصاد، تسری پیدا می‌کند به شرکت‌ها. در این حین، با توجه به شرایط سیاسی چنانچه بخواهیم با کشورهای دیگر کار کنیم و از اقتصاد بسته به سمت اقتصاد باز حرکت کنیم، نیاز به زبان بین‌المللی (IFRS) است؛ یعنی اگر این استانداردها جدی گرفته نمی‌شود، به خاطر این‌که

گزارش‌های مالی در ایران، هنوز اون نقش رو بازی نمی‌کنه. چرا بازی نمی‌کنه؛ چون هنوز اقتصاد ما شفافیت کامل نداره. چرا نداره؛ چون نمی‌خواهیم داشته باشه.» - MI02

«پس می‌شه نتیجه‌گیری کرد که منهای بعضی از انواع خاص دارایی‌های نامشهود که مثال زدم، اینها خریداری می‌شوند و مستنداتش پشتشون، بقیه دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها امروزه توی اقتصادهای مدرن، منعکس شده در برندشون. همه این قابلیت‌های سازمانی، امروزه در برند داره ظهور می‌کنه. به همین لحاظ هم زحمتشون رو کم کردند، یعنی اگه می‌خوان بیان یک شرکت رو ارزیابی کنند، می‌گویند ما برند رو ارزیابی می‌کنیم.» - MI02

«بنابراین من اعتقاد دارم برند، مثل یک اسفنج که آب رو به خودش می‌گیره، خیلی از اینها رو ممکنه نشون بده.» - MI05

نبود مسئله سواری مجانی

یکی دیگر از مهم‌ترین مفاهیم در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود و دستیابی به سودمندی در تصمیم‌گیری که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید کردند، رفع مسئله سواری مجانی در خصوص دارایی‌های نامشهود در کشور است. رفع این مشکل از طریق برقراری سه حق (۱) حق انتقال، (۲) حق کنترل منابع اقتصادی و (۳) حق استفاده از مزایای اقتصادی آتی دارایی نامشهود برقرار می‌شود.

«آهان یک محدودیتی که تو ایران وجود داره و تو دنیا کمتره، IP اونجا مثل ناموسه، متوجهی؟ یعنی شما وقتی یک ایده می‌دی، حتی فقط در غالب یک مقاله منتشر می‌کنی، نمی‌ری حتی ثبتش کنی، اگر کسی استفاده کنه، بیچاره است. یعنی اگر می‌فروختی، کمتر گیرت می‌ومد که کسی ایده‌ات رو بدزد. ببین تو ایران ما محافظت IP نداریم، Intellectual property یا دارایی‌های نامشهود از نوع IP قانون داریم‌ها،

ارزیابی کنندگان دارایی‌های نامشهود در انتخاب روش است. مصاحبه‌شوندگان این پژوهش به این عامل مهم اشاره داشته‌اند.

عوامل خاص شرکت

عوامل خاص شرکت نیز از جمله عامل مداخله‌گر دیگری است که براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، در اتخاذ راهبرد مبنای اندازه‌گیری چندگانه مؤثر است. مقوله‌های فرعی مرتبط با این مقوله اصلی در شکل ۲ به تفصیل بیان شده‌اند.

راهبرد عمل / تعامل

راهبردهای عمل / تعامل را کنشگران برای مدیریت، اداره، انتقال دادن یا پاسخ به پدیده تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده‌شده به‌کار می‌گیرند [۱]. براساس نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، مشخص شد ارزیابی کنندگان دارایی‌های نامشهود برای به‌ارمغان آوردن سودمندی در تصمیم برای ذی‌نفعان به استفاده از مبانی اندازه‌گیری چندگانه متوسل می‌شوند که این موضوع هم‌راستا با نتایج به‌دست آمده از ادبیات پژوهش و چارچوب نظری IASB نیز است. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مشخص شد اولویت صاحب‌نظران در انتخاب روش اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، متأثر از عوامل قانونی / حقوقی و محدودیت حاکم بر اقتصاد است. به‌عبارت دیگر، هنگامی که هدف از ارزیابی دارایی‌های نامشهود، ارائه خدمات مشاوره‌ای باشد که برای آنها مسئولیت قانونی یا حقوقی ایجاد نکند و گزارشگری آنها صرفاً در قالب نظر / پیشنهاد کارشناسی ارائه شود (نبود مسئولیت قانونی یا حقوقی)، چنانچه امکان برآورد جریانات نقد آتی و سایر متغیرهای پیش‌بین وجود داشته باشد (نبود محدودیت اقتصادی)، اولویت آنها در اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، استفاده از روش مربوط به

محافظت نداریم؛ یعنی تو source نرم‌افزارت رو چهار خطش رو من عوض می‌کنم، حالا برو اثبات کن این همونه. Screen‌های آبیت رو می‌کنم قرمز حالا اثبات کن که همونه، دو سال باید تو دادگاه بری، آیا بگیره آیا نگیره، چقدر هزینه کنی، بعد چقدر قانون اصلاً می‌تونه بهت بده.» - MIO8

قابلیت اندازه‌گیری

مصاحبه‌شوندگان آگاه بودند که ممکن است یک دارایی وجود داشته باشد؛ اما هم‌زمان ممکن است برای اهداف تصمیم‌گیری، قابلیت اندازه‌گیری نداشته باشد؛ برای مثال هنگامی که دارایی «انسان» است، از آنجایی که نمی‌توان مالک انسان بود و همواره کنترل بر یک شیء و نه انسان مطرح بوده است؛ بنابراین، امکان اندازه‌گیری کمی این نوع از دارایی نامشهود میسر نیست و همواره اطلاعات ارزشمند درخصوص این موارد به‌عنوان اطلاعات کیفی برجسته می‌شوند و یا اثر غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌ها (مانند دادن تخفیف برای حفظ نیروی انسانی یا نزدن چانه در جاهایی که باید چانه‌زنی می‌شد) را دارند.

عوامل قانونی / حقوقی

محدودیت‌های قانونی / حقوقی موجود در کشور از جمله عوامل مداخله‌گری است که به تفاوت در زمینه اتخاذ راهبردها در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود منجر می‌شود؛ برای نمونه محدودیت‌ها و شرایط تعیین‌شده در آیین‌نامه اجرایی شیوه‌های قیمت‌گذاری بنگاه‌ها به‌عنوان یکی از عوامل محدودکننده راهبرد شناسایی‌شده توسط کارشناسان رسمی دادگستری معرفی شده است.

عوامل رفتاری

یکی از دیگر از عوامل مداخله‌گر شناسایی‌شده در مصاحبه‌ها، تأثیر عوامل رفتاری در اتخاذ روش اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود است. یکی از عوامل رفتاری بااهمیت در این زمینه، نقش پررنگ قضاوت

ارزیابی کنندگان دارایی‌های نامشهود در استفاده از مبانی اندازه‌گیری قابل مشاهده در مقایسه با قابل پیش‌بین، حرکت ارزیابی‌کننده‌های دارایی‌های نامشهود از رویکردها و روش‌های محافظه‌کارانه به سمت رویکردها و روش‌های بی‌طرف و در نظر گرفتن ویژگی جمع‌پذیری.

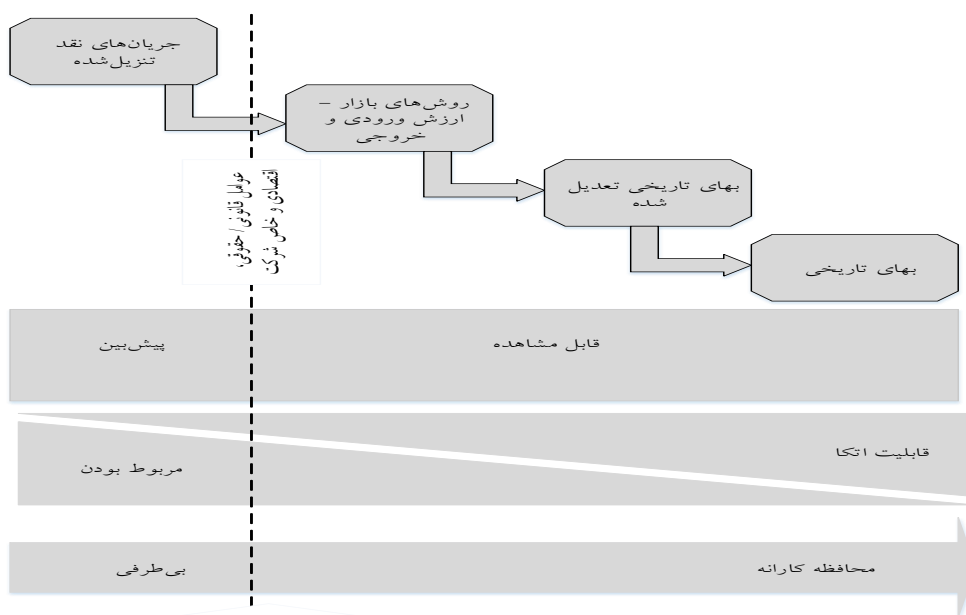
ارزیابی کیفیت الگو

از نظر استراوس و کوربین [۴۷]، معیارهای ارزیابی روایی و پایایی خاص مطالعات نظریه داده‌بنیان عبارت‌اند از آنکه روش‌ها به روشنی بیان شده باشند که خوانندگان بتوانند آنها را بسنجند و آنچه بیشتر از همه به این امر کمک می‌کند آن است که تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها هم‌زمان انجام شود. با توجه به مطالب عنوان‌شده، در این پژوهش سعی شد موارد یادشده برای ارتقای کیفیت پژوهش رعایت شود. همچنین، به منظور ارزیابی کیفیت الگوی به دست آمده در کدگذاری‌ها، نظریه به دست آمده به چهار نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه و نظرات تکمیلی آنها دریافت، اعمال و تأیید شد.

جریان‌های نقد تنزیل شده خواهد بود. از سوی دیگر، در مواردی که نظر کارشناسی مبنای رفع اختلافات حقوقی / قانونی، خرید و فروش، تأمین سرمایه و سایر اهدافی قرار می‌گیرد که براساس آنها برای کارشناس مسئولیت قانونی یا حقوقی ایجاد می‌شود، اولویت آنها در روش اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، نخست استفاده از روش‌های بازار (ارزش ورودی و ارزش خروجی) و در صورت عدم دسترسی به ارزش بازار، اولویت بعدی استفاده از روش بهای تاریخی تعدیل‌شده و در نهایت، بهای تمام‌شده تاریخی است. شکل ۴ خلاصه نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در خصوص اولویت ارزیابی‌کنندگان دارایی‌های نامشهود را برای استفاده از روش‌های مطرح در اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود نشان می‌دهد.

پیامدها

پیامدهای استفاده از مبانی اندازه‌گیری چندگانه و نوع اولویت بحث‌شده در بخش راهبرد عمل / تعامل عبارت است از اولویت‌بخشی به ویژگی کیفی مربوط بودن در مقایسه با قابلیت اتکا، ترجیح



نگاره ۷- بررسی استواری معیار ارقام تعهدی سنتی نسبت به مقیاس‌های متفاوت اندازه

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در این پژوهش بیان‌کننده این دستاورد است که در محیط امروزی که دارایی‌های غیرفیزیکی نقش اساسی در حفظ بقا و رشد واحد تجاری ایفا می‌کنند، ضروری است حسابداران نیز رویکرد خود را درباره مبنای شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود تغییر و گسترش دهند و نگاهی گسترده‌تر از مبنای رخداد معامله، به‌عنوان عامل شناسایی دارایی‌های نامشهود، داشته باشند. این نتایج همسو یا نتایج پژوهش التاوی [۳۰] است. او در نتایج پژوهش خود در نظر گرفتن صرف مبنای رخداد معامله را در مورد کل دارایی‌ها، اعم از مشهود و نامشهود استنتاج کرده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد سطح جمعیت نیز نقطه‌عطفی در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود محسوب می‌شود و این در حالی است که این مفهوم در چارچوب نظری فعلی برای گزارشگری مالی جایگاهی ندارد. تعیین سطح جمعیت، مفهومی است که باید در گام نخست از فرایند شناخت دارایی نامشهود اعمال شود. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد سطح جمعیت در هر مورد خاص ارزیابی به نوع کسب و کار، فعالیت و هدف از ارزیابی بستگی دارد. به نقل از یکی از کارشناسان رسمی دادگستری، «چنانچه با عمل جمعیت تمامی آن‌دسته از دارایی‌های نامشهودی که جداگانه تحصیل نشده‌اند و در درون واحد تجاری ایجاد شده‌اند، تحت قالب برند و برآورد ارزش آن برند، بتوان به ذی‌نفعان گزارش، اطلاعات سودمندی ارائه کرد، ما اقدام به جمعیت آنها می‌کنیم؛ زیرا هدف، کمک به ذی‌نفعان در اتخاذ تصمیم صحیح است».

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در IAS#16 (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات)، در بخش شناخت دارایی (بند ۹) به این موضوع اشاره می‌کند که این استاندارد، سطح جمعیت خاصی را برای شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌ها تجویز^۱ نمی‌کنند و بنابراین، پیاده‌سازی سطح جمعیت، مستلزم به‌کارگیری و اعمال قضاوت و در نظر گرفتن شرایط خاص واحد تجاری است (IAS#16-9). همچنین، در استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۱ (IAS#1)، بند ۳۰، صورت‌های مالی، برآیند پردازش تعداد زیادی از مبادلات^۲ یا سایر رویدادها^۳ تعریف شده‌اند که در قالب طبقات براساس ماهیت^۴ و یا کارکردشان^۵، جمعیت می‌شوند (IAS#1-30). در بند ۵۷-ب همان استاندارد نیز اشاره شده است که سطح جمعیت استفاده‌شده ممکن است با توجه به ماهیت واحد تجاری^۶ و مبادلات آن، برای ارائه اطلاعات مربوط برای درک وضعیت مالی واحد تجاری تغییر یا اصلاح شود (IAS#1-57b).

یکی دیگر از مهم‌ترین مفاهیم در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود و دستیابی به سودمندی در تصمیم که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید کرده‌اند، رفع مسئله سواری مجانی در خصوص دارایی‌های نامشهود در کشور است. براساس تجزیه و تحلیل‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، رفع این مشکل از طریق میسرشدن سه حق (۱) حق انتقال، (۲) حق کنترل منابع اقتصادی و (۳) حق استفاده از مزایای اقتصادی دارایی نامشهود عنوان

1. Prescribe

2. Transaction

3. Events

4. Nature

5. Function

6. Nature of the Entity

7. Likelihood (Probable)

شده است. دو تفسیر شایان توجه در تجزیه و تحلیل داده‌های برخاسته از مصاحبه با صاحب نظران این پژوهش آن است که آنها در فرایند شناسایی و اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود بر دو مورد تأکید دارند:

- تأکید و تمرکز ارزیابان در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود بر معاملات یا رویدادهای گذشته‌ای است که به ایجاد و شناسایی دارایی‌های نامشهود منجر می‌شود.

- بر حق کنونی یا سایر امتیازهایی تأکید دارند که امکان دسترسی فعلی به منابع اقتصادی زمان حال و همچنین، قابلیت تولید مزایای اقتصادی را می‌دهد، از این رو، بر محتمل بودن/ یا مورد انتظار بودن ورود جریان‌ات نقد آتی به واحد تجاری تأکید ندارند.

تأکید بر دو مورد فوق به ارزیابان دارایی‌های نامشهود، امکان شناسایی و اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهودی را فراهم می‌کند که بر اساس استانداردهای کنونی حسابداری، شناسایی و اندازه‌گیری آنها به دلیل مطرح شدن دو واژه محتمل بودن^۱ و ورود جریان‌ات نقد آتی به واحد تجاری محدود شده است. در این رابطه، پژوهشگران زیادی همچون [۴۴، ۴۶، ۳۲ و ۳۹] در مطالعات خود به دو نقطه ضعف فوق در تعریف دارایی اشاره کرده‌اند. در این راستا ادی (۱۹۷۱) نیز بیان می‌کند «تعریف» باید در دل خود، روشی برای محاسبه داشته باشد؛ به طوری که بتوان آن را در عمل استفاده و پیاده‌سازی کرد [۳۷]. یکی دیگر از عوامل علی شناسایی شده در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، قابل اندازه‌گیری بودن دارایی نامشهود است. مقوله‌های فرعی شناسایی شده مربوط به مقوله اصلی قابلیت اندازه‌گیری عبارت‌اند

از شناخت دارایی‌های نامشهود واحد تجاری، استفاده از مبانی اندازه‌گیری قابل اثبات، قابلیت اجرا و قابلیت محاسبه روش اندازه‌گیری، سطح پیچیدگی و قابلیت فهم روش و محدودیت فزونی منافع بر مخارج. مطابق با نتایج به دست آمده از پژوهش، ویژگی‌های قابلیت اثبات و قابل فهم بودن از جمله ویژگی‌های کیفی بهبوددهنده شناسایی شده در چارچوب نظری که IASB (نسخه اصلاح شده در تاریخ ۲۰۱۸) ارائه کرده است، نیز هست. همچنین، در فصل دوم چارچوب نظری گزارشگری مالی که IASB (ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی سودمند) ارائه کرده است، به محدودیت هزینه اشاره و بیان شده است که مزایای ارائه اطلاعات باید هزینه تهیه و استفاده از اطلاعات را توجیه کند (چارچوب نظری IASB- نسخه اصلاح شده ۲۰۱۸). مصاحبه‌شوندگان همچنین آگاه بودند ممکن است یک دارایی وجود داشته باشد؛ اما هم‌زمان ممکن است برای اهداف تصمیم‌گیری، قابلیت اندازه‌گیری نداشته باشد؛ برای مثال هنگامی که دارایی «انسان» است، از آنجایی که نمی‌توان مالک انسان بود و همواره کنترل بر یک شیء و نه انسان مطرح بوده است؛ بنابراین، امکان اندازه‌گیری کمی این نوع از دارایی نامشهود میسر نیست و معمولاً اطلاعات ارزشمند درخصوص این موارد به‌عنوان اطلاعات کیفی برجسته می‌شوند و یا اثر غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌ها (مانند دادن تخفیف برای حفظ نیروی انسانی یا نزدن چانه در جاهایی که باید چانه‌زنی می‌شد) دارند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مقوله هسته‌ای در فرایند اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود به وسیله ارزیابان دارایی‌های نامشهود، ارائه اطلاعاتی است که در تصمیم‌گیری ذی‌نفعان مفید واقع شود. سودمندی در تصمیم در طی بیش از چهل سال در سیاست‌گذاری‌ها و ادبیات

از مبانی اندازه‌گیری چندگانه عبارت است از اولویت‌بخشی به ویژگی کیفی مربوط بودن در مقایسه با قابلیت اتکا، ترجیح ارزیابان دارایی‌های نامشهود در استفاده از مبانی اندازه‌گیری قابل مشاهده در مقایسه با قابل پیش‌بین، حرکت آنها از رویکردها و روش‌های محافظه‌کارانه به سمت رویکردها و روش‌های بی‌طرف و در نظر گرفتن ویژگی جمع‌پذیری. براساس نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، در ادامه این مسیر، بهبود در روش ارجاع کار برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود از طریق ایجاد مؤسسات معتبر و مشهور و انجام کار کارشناسانه توسط اشخاص حقوقی به جای اشخاص حقیقی (همانند روند جاری در کشورهای توسعه یافته) و همچنین، استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته در این زمینه می‌تواند مفید واقع شود. بافت اقتصادی متفاوت کشور در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، از جمله تجربه طولانی مدت تورم دو رقمی و نقش ۸۰ درصدی دولت در اقتصاد، به ارائه الگوی مفهومی متفاوت از الگوهای مشابه ارائه شده در جهان منجر شد که متناسب با شرایط ایران است. از سوی دیگر، با توجه به کمبود قوانین و مقررات و افشای اندک مربوط به دارایی‌های نامشهود و ضعف گزارشگری مالی در انعکاس واقعی و صحیح ارزش دارایی‌های نامشهود، پژوهش حاضر می‌تواند گامی در بهبود ارائه و تدوین استاندارد اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود باشد. در نهایت، پژوهش حاضر از طریق ارائه الگوی مفهومی برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود در ایران می‌تواند به ارائه اطلاعاتی مربوط تر و واقع‌گرایانه‌تر پردازد و برای سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر ذی‌نفعانی که خواهان ارزش منصفانه شرکت‌ها هستند، گامی مفید و کارآمد باشد.

حسابداری به عنوان یک معیار سازمان یافته و هدف اصلی گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که شواهد ضد و نقیضی در خصوص حمایت از این مفهوم در ادبیات حسابداری وجود دارد. استفاده از یک هدف منفرد - سودمندی در تصمیم - و نادیده گرفتن حسابداری (مباشرت)^۱، به ایجاد انتقادهایی از سوی استنادگذاران و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی منجر شده است. این انتقادات هرگز در طی دوران نظرسنجی IASB در خصوص چارچوب نظری گزارشگری مالی کاهش نیافت؛ برای مثال بحث و بررسی و نظرسنجی سال ۲۰۰۶؛^۲ پیش‌نویس سال ۲۰۰۸^۳ و بحث و بررسی و نظرسنجی سال ۲۰۱۳^۴ هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری [۱۸]. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در پی نظرات دریافت شده، در نسخه اصلاحی چارچوب نظری گزارشگری مالی خود (مارس ۲۰۱۸)، به هدف حسابداری (مباشرت) نیز اشاره کرده و عنوان شده است استفاده‌کنندگان گزارشات مالی نیازمند اطلاعاتی برای کمک به آنها به منظور ارزیابی وظیفه مباشرت (حسابداری) مدیریت هستند. این در حالی است که کماکان اولویت اصلی با سودمندی در تصمیم است (چارچوب نظری گزارشگری مالی IASB، نسخه ۲۰۱۸). بر این اساس، راهبرد دستیابی به سودمندی در تصمیم، عبارت است از استفاده از مبانی اندازه‌گیری چندگانه که این موضوع هم‌راستا با نتایج به دست آمده از پیشینه پژوهش و چارچوب نظری IASB نیز است. برخی عوامل محدودکننده یا تسهیل‌گر این راهبرد عبارت است از عوامل اقتصادی، عوامل حقوقی / قانونی، عوامل رفتاری و عوامل خاص شرکت. پیامد استفاده

¹. Stewardship

². 2006 Discussion Paper (DP)- IASB (2006)

³. 2008 Exposure Draft (ED)- IASB (2008)

⁴. 2013 Discussion Paper (DP)- IASB (2013)

محدودیت‌ها

۱- به اعتقاد پژوهشگر، یکی از محدودیت‌های هر پژوهش کیفی را می‌توان سویه‌ها و گرایش‌های شخصی پژوهشگر دانست و از آنجا که در پژوهش کیفی نیاز به تفسیر داده‌ها وجود دارد، ممکن است (حداقل به‌طور ناخواسته) بر تفسیرهای وی اثر بگذارد. در پژوهش حاضر پژوهشگر تلاش خود را به‌کار گرفته است تا به شکلی بی‌طرفانه داده‌ها را تحلیل و ارائه کند؛ اما با این حال ذات و ماهیت پژوهش کیفی به شکلی است که ممکن است از سویه‌ها و گرایش‌های پژوهشگر تأثیر بپذیرد. این تأثیرپذیری احتمالی را (که حتی ممکن است ناخودآگاه هم باشد) می‌توان از محدودیت‌های هر پژوهش کیفی دانست.

۲- یکی از محدودیت‌های بااهمیت این پژوهش، زمینه (بافت) انجام پژوهش است. این پژوهش از طریق مصاحبه با ارزیابان و متخصصان ایرانی انجام شده است. در واقع، نظریه‌های ایجادشده با استفاده از روش نظریه‌بنیان بر مبنای رویکردها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران آن پژوهش ایجاد می‌شود. در این پژوهش، نظرها و رویکردهای صاحب‌نظران، انعکاس پس‌زمینه حسابداری اجتماعی و فرهنگی و تجربه‌های شخصی آنها در کشور در حال توسعه و نه توسعه‌یافته است.

پیشنهادها

۱- با توجه به یافته‌های پژوهش و کشف پیش‌نیازهای لازم در فرایند ارزیابی دارایی‌های نامشهود، باید تمهیداتی را برای فراهم‌شدن هرچه بیشتر این بسترها اندیشید:

۱-۱- یکی از پیش‌نیازهای شناسایی‌شده در فرایند ارزیابی دارایی‌های نامشهود در این پژوهش، ضعف دانش ارزیابان است که در این خصوص راهکارهای قابل‌اتخاذ در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات متولی امر آموزشی، بهتر است اختصاص واحدهای درسی به موضوع ارزیابی دارایی‌های نامشهود، تجدیدنظر در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها به‌منظور پوشش نیازهای حرفه‌ای، ارائه آموزش‌های حرفه‌ای، هدفمندکردن پژوهش به نیازهای حرفه‌ای ارزیابی دارایی‌های نامشهود، تقویت منابع آموزشی و شناسایی نیازهای حرفه‌ای باشد.

۱-۲- از جمله پیش‌نیازهای دیگر در فرایند ارزیاب دارایی‌های نامشهود، رفع موانع مربوط به محدودیت داده و اطلاعات است که در این خصوص راهبردهای قابل‌اتخاذ تشکیل پایگاه‌های داده‌ای منسجم و یکپارچه در سطح کشور، پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت پایگاه داده و نظارت بر اعتبار، شفافیت، صحت و کفایت داده‌هاست.

۲- همچنین، پیشنهاد می‌شود در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، از تجربیات کشورهای پیشرفته استفاده شود و به‌جای ارجاع کار ارزیابی دارایی‌های نامشهود به اشخاص حقیقی (عموماً کارشناسان رسمی دادگستری)، از مؤسسات متخصص و معتبر (اشخاص حقوقی) استفاده شود.

۳- با توجه به تکامل اقتصاد دانش‌محور در کشور و تغییر روش ایجاد ارزش از روش‌های سنتی مبتنی بر دارایی‌های فیزیکی به دانش نامشهود و اهمیت یافتن موضوع اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نقشه جامع علمی کشور، پیشنهاد دیگر پژوهش حاضر ارائه گزارش مکمل برای شرکت‌های ایرانی است، گزارش

۲. پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه و سیما خدایاریگانه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۳، صص ۹۹-۱۱۸.
۳. حاجیها، زهره و لیلا قصاب‌ماهر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و ارزش نامشهود واحد تجاری با استفاده از شاخص Q توبین در بازار سرمایه ایران. مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، سال اول، شماره ۴۰، صص ۸۹-۱۰۲.
۴. حسنی، محمد و مهری میثاقی. (۱۳۹۳). مطالعه کنش سرمایه‌فکری در بیان انعطاف‌پذیری مالی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۳، صص ۸۴-۶۷.
۵. حنفی‌زاده، پیام و مسعود فاضلی‌نیا. (۱۳۹۱). ارزشگذاری برند بانک‌ها مبتنی بر مدل‌های ارزشگذاری برند با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره. Topsis. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار. سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۰۲-۸۱.
۶. دانایی فرد، حسن و سیدمجتبی امامی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۹۷-۶۹.
۷. عارف منش، زهره و علی رحمانی. (۱۳۹۴). ارائه مدلی جهت ارزشگذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۲-۸۱.
۸. عزیزی، شهریار؛ درویشی، زهرا و فرشید نمایان. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین‌کننده ارزش برند با رویکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در

مکملی که در آن به معرفی دارایی‌های نامشهود با اهمیت شرکت و مبالغ آنها به ترتیب اولویت استفاده از روش‌های تنزیل جریان‌های نقد آتی (در صورت در دسترس بودن اطلاعات)، ارزش منصفانه مبتنی بر قیمت بازار، بهای تاریخی تعدیلی، بهای تاریخی، برآورد ارزش منصفانه دارایی‌های نامشهود با استفاده از پیش‌فرض‌گیری و الگوسازی مالی و در نهایت در صورت عدم امکان اندازه‌گیری با استفاده از روش‌های مذکور، ارائه اطلاعات کیفی مربوط به دارایی‌های نامشهود، اندازه‌گیری و گزارش شوند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- ۱- براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، اطلاعات تعدیل شده براساس الگوی پژوهش حاضر برای تعدادی از شرکت‌ها به شکل آزمایشی تهیه و به تعدادی از استفاده‌کنندگان ارائه شود. سپس تصمیمات اتخاذ شده استفاده‌کنندگانی که اطلاعات تعدیل شده را در اختیار دارند، با تصمیمات یک گروه گواه (کنترل) مقایسه شود که این اطلاعات را ندارند.
- ۲- همچنین، پیشنهاد می‌شود یک مطالعه میدانی (پیمایشی) گسترده از گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در ایران انجام شود و نظرات آنها در رابطه با اثر اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود بر تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند، به دقت مستند و ارزیابی شود

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی. (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی پژوهش (کاربرد نظریه بنیانی). جلد دوم، تهران: کیهان.

- ستی و نوین شبکه. حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۷۹-۱۰۰.
15. Andriessen, D. (2004). IC Valuation & Measurement: Classifying the State of the Art. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5, No. 2, Pp. 230-242.
 16. Belkaoui, A. (1992). *Accounting Theory*. 3th Edition, London: Dryden Press.
 17. Bond, S., & Cummins, J. (2000). The Stock Market and Investment in the New Economy: Some Tangible Facts and Intangible Fictions. *Brooking Papers on Economic Activity*, Vol. 31, No. 1, Pp. 61-124.
 18. Bohusova, Hana & Svoboda, Patric. (2018). Intangible Assets Reporting: *The Case of Chemical and Pharmaceutical Industry in the Czech Republic*, Vol. 22, No. 2, Pp. 431-439.
 19. Bontis, N., Dragonetti, N., Jacobsen, K. and Roos, G. (1999). The Knowledge toolbox: A Review of Tools Available to Measure & Manage Intangible Resources. *European Management Journal*, Vol. 17, No. 4, Pp. 391-402.
 20. Boulerne, S., Sahut, J, M., (2010). Have IAS (International Accounting Standards)/ IFRS Improved the Information Content of Intangibles in France? *Journal of Financial Management & Analysis*, Vol. 10, No. 3, Pp. 52-62.
 21. Canibano, L., Sanchez, P. (2009). Intangibles in Universities: Current Challenges for Measuring & Reporting. *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 13, No. 2, Pp. 93-104.
 22. Canibano, L., Ayuso, M.G., & Sanchez, P. (2000). Accounting for Intangibles: A Literature Review. *Journal of Accounting Literature*, Vol. 19, No. 4, Pp. 102-130.
 23. Chan, L.K.C., Lakonishok, J, Sougiannis, T. (2001). The Stock Market Valuation of Research and Development Expenditures. *Journal of Finance*, Vol. 56, No. 1, Pp. 2431-2456.
 24. Chen, C.W., Chiang, M.H., & Young, C.L. (2014). New Product Preannouncements, Advertising Investments, & Stock Returns. *Marketing Letters*, Vol. 25, No. 2, Pp. 207-218.
 25. Creswell, J.W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative & Qualitative*
- بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم انداز مدیریت بازرگانی، سال اول، شماره ۳۹، صص ۹-۲۲.
۹. کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد. ترجمه دانایی فرد، حسن و کاظمی، حسین، ویرایش دوم، تهران: انتشارات صفار.
 ۱۰. مشایخی، بیتا، بیرامی، هانیه و هانی بیرامی. (۱۳۹۳). تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۴، صص ۲۳۸-۲۲۳.
 ۱۱. مهرآذین، علیرضا؛ فروتن، امید و محمد تقی پور. (۱۳۹۱). ارزش نام و نشان های تجاری و رابطه آن با شاخص های عملکرد. فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۳۹-۱۲۵.
 ۱۲. نمازی، محمد و سیدروح الله موسوی نژاد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین دارایی های نامشهود و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۶۲-۲۴۳.
 ۱۳. نیک کار، جواد؛ همت فر، محمود و مریم اعصامی. (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه گذاری در دارایی نامشهود در توضیح دهندگی تأثیر سلامت مالی و مشکلات نمایندگی در ارزش بازار شرکت. مجله مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۱-۲۸.
 ۱۴. نیکومرام، هاشم؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و هدی همتی. (۱۳۹۲). مقایسه عملکرد پرتفوی انتخابی بر اساس مدل های حسابداری سرمایه فکری با استفاده از مدل تحلیل شبکه با مدل های

- Republic. *Journal of International Studies*, Vol. 11. No.1, Pp. 67-79.
37. Liu, X., Guariglia, A., & Song, L. (2011). Internal Finance & Growth: Micro econometric Evidence on Chinese Firms. *Journal of Development Economics*, Vol. 96, No. 1, Pp. 79-94.
 38. Marr, B. (2005). Business Performance Measurement: An Overview of the Current State of Use in the USA. *Measuring Business Excellence*, Vol. 9, No. 3, Pp. 56-62.
 39. Miller, Paul & Bahnson, Paul, R. (2007). Refining Fair Value Measurement. *Journal of Accountancy*, Vol. 204, No. 5. Pp. 30-32.
 40. Napier, C. & Power, M. (1992). Professional Research, Lobbying Intangibles: A Review Essay. *Accounting & Business Research*, Vol. 23, No. 89, Pp. 85-95.
 41. Newing, R. (1995). Wake Up to the Balanced Scorecard! *Management Accounting*, Vol. 73, No. 3, Pp. 22-25.
 42. Oliveira, L., Rodrigues, L.L., & Craig, R. (2010). Intangible Assets and Value Relevance: Evidence from the Portuguese Stock Exchange. *The British Accounting Review*, Vol. 42, No. 4, Pp. 241-252.
 43. Petty, R., Guthrie, J. (2000). Intellectual Capital Literature Review: Measurement, Reporting & Management. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1, No. 2, Pp. 155-176.
 44. Ratcliffe, Thomas & Munter, Paul. (1980). Asset Valuation. *Accounting Historians Journal*, Vol. 7, No. 1, Pp. 73-78.
 45. Roos, G. & Roos, J. (1997). Measuring Your Company's Intellectual Performance. *Long Range Planning*, Vol. 30, No. 3, Pp. 413-426.
 46. Schuetze, walter. (1993). What Is an Asset? *Twentieth Annual National Conference of Current SEC Development*.
 47. Strauss, A., Corbin, J. (1998). *Basic of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. 2nd Edition, London: SAGE Publications Inc.
 48. Sveiby, K.E. (1997). The Intangible Assets Monitor. *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 2, No. 1, Pp. 73- 97.
 26. Diefenbach, T. (2006). Intangible Resources: A Categorical System of Knowledge & Other Intangible Assets. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 7, No. 3, Pp.406-420.
 27. Eckstein, C. (2004). The Measurement & Recognition of Intangible Assets. *Accounting Forum*, Vol. 28, No. 2, Pp. 139-158.
 28. Edvinsson, L. (2002). The New Knowledge Economics. *Journal of Business Strategy Review*, Vol. 13, No. 3, Pp. 72-76.
 29. Edvinsson, L. And M.S.Malone. (1997). *Intellectual Capital*, London: Piatkus.
 30. El Tawy, Halim. (2010). A Grounded Theory Analysis of the Pre-Measurement Phase for the Accounting Recognition of Assets, *Ph.D. Dissertation*, Brunel Business School, London, UK.
 31. Fejes, Jozef. (2018). the Role of Intangible Assets in the Banking Value Creation Process, *Ph.D. Dissertation*, Coruinus University Budapest, Department of Business Economics.
 32. Gone, R, & Zimmerman, D. (2007). Building the Foundation of Financial Reporting. *The CPA Journal*. Available at: <http://web.ebscohost.com.bibproxy.kau.se:2048/ehost/pdf?vid=4&hid=106&sid=ee05e841-f323-42b9-a395-0809b9da797d%40sessionmgr110> [2009-10-21]
 33. Gonzalez, W. (2014). Applying Agile Project Management to Predevelopment Stage of Innovation. *International Journal of Innovation & Technology Management*, Vol. 11, No. 4, Pp. 1450020.
 34. Guo, Y., Holland, J., & Kreander, N. (2013). An Exploration of the Value Creation Process in Bank- Corporate Communications. *Journal of Communication Management*, Vol. 18. No. 3, Pp. 254-270.
 35. Hall, R.E. (2001). Struggling to Understand the Stock Market. *American Economic Review*, Vol. 91, No. 2, Pp. 1-11.
 36. Hasprova, Olga, Brabec, Zdenek & Rozkovec, Jiri (2018). Intangible Assets Disclosed by Public Universities in Czech

- “Tangible and Production- Focused” to “Intangible and Knowledge- Driven’ MAS by Integrating BSC and IC”. *Managerial Finance*, Vol. 30, No. 8, Pp. 1-12.
52. Zhang, D. (2003). Intangible Assets and Stock Trading Strategies. *Managerial Finance*, Vol. 29, No. 10. Pp. 38-56.
49. Sveiby, K.E. (1989). *The Invisible Balance Sheet*. First Edition, Sweden: Ledarskap, W. Konard Gruppen.
50. Swanson, Zane. (2018). Internal Intangible Asset Effect on Firm Valuation. Available at www.ssrn.com.
51. Wingren, T. (2004). Management Accounting in the New Economy: from